

زبان پهلوی

ادبیات و دستور آن

ژاله آموزگار احمد تفضلی



انتشارات معین

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
۷	کتابنامه گزیده
۱۱	سحی کوتاه دربارهٔ زبانهای ایرانی
۱۳	زبانهای ایرانی میانه غربی
۱۳	اصطلاح پهلوی
۱۵	آثار پارسی (پهلوی اشکانی، پهلوانیک)
۱۵	یک آثار به خط پارسی
۱۷	دو نوشته‌های مابریان
۱۹	آثار فارسی میانه
۱۹	یک آثار کتیبه‌ای
۲۷	دو کتابهای پهلوی
۴۵	حطوط آثار ایرانی میانهٔ غربی
۴۶	خط پهلوی کتابی
۴۹	العیای پهلوی
۵۹	برحی ار ویژگیهای نگارشی
۶۳	طرح احتمالی دستور زبان پهلوی
۶۵	واح‌های زبان پهلوی
۶۶	اسم
۶۷	صفت
۶۸	صمیر
۷۰	قید

۷۱	حروف اصافه
۷۲	پیوند
۷۲	عدد
۷۴	فعل
۸۳	ادات فعلی و پیشوندهای فعلی
۸۴	پیشوندها و پسوندهای رایا
۸۷	متن‌ها
۸۹	دربارهٔ متن‌های برگزیده
۹۱	دادستان میسوی حرد
۹۶	اندررها
۹۹	کارنامهٔ اردشیر ناکان
۱۰۲	رَندَوَهَمَسَ یَنَس
۱۰۴	گزیده‌های رادُنَسِیَرَم
۱۰۷	نَدَهَیَس
۱۱۱	روایات پهلوی
۱۱۵	واژه‌نامه

سخنی کوتاه دربارهٔ زبانهای ایرانی

"زبانهای ایرانی" به گروهی از زبانها و لهجه‌ها اطلاق می‌شود که از نظر ویژگیهای زبانی و حوه مشترک دارند. در این نامگذاری معیارهای زبان‌شناختی مورد نظر است و نه مرزهای جغرافیایی یا سیاسی کنونی ایران از این رو مثلاً زبان آسی که در قفقاز بدان سخن گفته می‌شود یا پشتو که در افغانستان کنونی معمول است، از مرز زبانهای ایرانی به‌شمار می‌روند، اما زبان ترکی یا عربی که در بخشی از ایران کنونی بدانها سخن گفته می‌شود، جزء زبانهای ایرانی نیست

زبانهای ایرانی شاحه‌ای از گروه زبانهای "هند و ایرانی" هستند که حدود شاحهٔ عمده‌ای از زبانهای "هند و اروپایی" است. گروه زبانهای "هند و ایرانی" به دو شاحهٔ "هندی" و "ایرانی" تقسیم می‌شود. از لحاظ تحول تاریخی می‌توان برای زبانهای ایرانی سه دوره قائل شد ۱. دورهٔ باستان، ۲ دورهٔ میانه، ۳ دورهٔ جدید

۱ دورهٔ باستان از دورانی که نخستین آثار زبانهای ایرانی وجود دارد، یعنی زمان تألیف گاهان یا گاتهای زردشت (احتمالاً حدود سدهٔ ۱۲ تا ۱۰ ق م)، آغاز می‌شود و در اواخر دورهٔ هخامنشی (حدود ۳۰۰ ق م) پایان می‌پذیرد از این دوره از دو زبان آثار مکتوب در دست است

الف. زبان اوستایی که از نظر ویژگیهای زبانی متعلق به شرق و شمال شرقی ایران باستان یا ایران بررگ است و کتاب اوستا بدان نوشته شده است میان زمان تألیف قدیم‌ترین بخش اوستا، یعنی گاهان تا زمان تدوین و به‌نگارش درآمدن مجموعهٔ اوستا (احتمالاً در سدهٔ چهارم میلادی) قربها فاصله است و در این مدت این کتاب سیه به سیه حفظ می‌شده است هیچیک از زبانهای بعدی را نمی‌توان دسالة مستقیم و تحول‌یافتهٔ زبان اوستایی دانست

ب زبان فارسی باستان در حوب عربی ایران معمول بوده و کتبه‌های پادشاهان

هخامنشی (قرن ششم تا چهارم ق م) بدان نوشته شده است. برحلاف زبان اوستایی، کتات آثار فارسی ناستان همزمان با تألیف آهست
 از دیگر زبانهای این دوره آثار مکتوبی در دست بیست تنها از زبان سکایی و مادی
 واژه‌هایی در منابع خارجی برحای مانده است صورت‌های تحول‌یافتهٔ برخی از این زبانها
 را در میان زبانهای دورهٔ میانه یا دورهٔ بون می‌یابیم

۲ دورهٔ میانه از اواخر دورهٔ هخامنشی (در حدود ۳۰۰ ق م) آغاز می‌شود و در
 اوایل دورهٔ اسلامی (قرن هفتم م) پایان می‌پذیرد، ولی نگارش به زبانهای این دوره تا
 قرن سوم و چهارم هجری و در مواردی (مانند زبان حواری) تا قرن هفتم هجری بر
 ادامه می‌یابد زبانهای معمول در این دوره را زبان موارین رانی و جغرافیایی به دو گروه
 تقسیم می‌کنند:

الف زبانهای شرقی که به دو شاخهٔ شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند سعدی و
 حواری حرهٔ زبانهای شرقی شمالی و سکایی (حتی) و بلخی حرهٔ زبانهای شرقی
 جنوبی هستند.

ب. زبانهای غربی بر به دو شاخهٔ شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند. شاخهٔ غربی
 شمالی در قلمرو پارتها یا اشکانیان متداول بوده است و آن را پهلوانیگ، پهلوی اشکانی
 یا پارتی می‌نامند. شاخهٔ غربی جنوبی اساساً زبان متداول در فارس، در دورهٔ ساسانیان
 بوده که در بواحی دیگر گسترش یافته است دانشمندان حدید این زبان را در مقایسه با
 فارسی ناستان و فارسی حدید، فارسی میانه می‌نامند، ولی زبان ست، نام آن پهلوی است
 (در مورد این اصطلاح نگاه کنید به بعد).

۳. دورهٔ جدید از اواخر زمان ساسانی آغاز گردیده است و تاکنون ادامه دارد.
 مهمترین زبان این دوره فارسی است. زبانها و لهجه‌های ایرانی گوناگونی که در قلمرو
 کنونی ایران و خارج از ایران معمول اند، مانند کردی، بلوچی، آسی، گیلکی، مازندرانی
 و غیره همه به این دوره تعلق دارند

زبانهای ایرانی میانهٔ غربی

از این دو زبان ایرانی میانهٔ غربی نوشته‌هایی در دست است.

۱. پارتی یا پهلوی اشکانی

۲. فارسی میانه یا پهلوی ساسانی

از آنجا که اصطلاح "پهلوی" را برای هر دو زبان به کار برده‌اند، جا دارد که بحث
 دربارهٔ این اصطلاح توضیحی دهیم

اصطلاح پهلوی

پهلوی مسوب به پهلوان است و این واژه از صورت ایرانی ناستان پهلوان^۱ آمده است
 که در اصل به سرزمین پارت اطلاق می‌شد و مسوب به آن در زبان فارسی میانه
 پهلوانیگ و پهلوانیگ است فارسی یا پارسی مسوب به پارس مشتق از صورت ایرانی
 ناستان پارسه^۲ می‌باشد که نام سرزمین فارس است و مسوب به آن در زبان فارسی میانه
 پارسیگ است. در سگوشته‌های پارسی ناستان این زبان پارسه و در متنهای فارسی میانه
 پارسیگ نام دارد که هر دو معادل پارسی (= فارسی)^۳ است بنابراین از نظر اشتقاق،
 پهلوی به معنی "زبان پارتی"^۴ است و نه فارسی، ولی از دیرزمان نوشته‌های اردشتیان را
 که به فارسی میانه است پهلوی (در عربی فهلوی) نامیده‌اند زمان این نامگذاری کی و
 علت آن چیست؟

1 Parōava

2. Pārsa

۳ زبان فارسی بو که در دوران اسلامی رواج یافت اساساً دسالهٔ فارسی میانه یا یکی از گروه‌های آن است
 که در اواخر دورهٔ ساسانی به صورت زبان گفتار در تیسفون رایج شده بود، و فارسی میانه خود دسالهٔ
 زبان فارسی ناستان است

۴ اصطلاح پارتی را به‌ناچار به‌حای پهلوانیگ یا پهلوی اشکانی به‌کار می‌بریم با نا پهلوی (= فارسی
 میانه) اشتباه نشود